

جایگاه ولایت فقیه در قانون اساسی ایران

زهرا اسماعیلی^۱

چکیده

ولایت فقیه را می توان یکی از مهم ترین مباحث و مفاهیم مهم فقه سیاسی شیعه و نیز به عنوان مهم ترین تأسیس حقوقی در نظام جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت؛ که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به عنوان اصلی ترین پایه های نظام اسلامی مطرح شده و از اهمیت ویژه ای برخوردار است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ توسط مجلس خبرگان و در ۱۷۵ اصل تصویب و به همه پرسی گذاشته شده و رأی مثبت ملت را به همراه داشت. در نظام جمهوری اسلامی ایران ولایت فقیه بر اساس قانون اساسی در رأس ساختار حکومتی قرار دارد و در زمان غیبت امام عصر (ع) به عنوان زمامدار جامعه اسلامی می باشد. شرایط زمامدار حکومت اسلامی در ارتباط مستقیم با ماهیت حکومت اسلامی می باشد و دو شرط اساسی دارد: نخست علم به قانون و دیگری عدالت می باشد. نظریه ولایت فقیه و نیز حاکمیت فقها در تداوم نظریه امام و حکومت ائمه معصومین علیهم السلام است به همین علت وجود این دو شرط، برای نزدیکی هر چه بیشتر حکومت عصر غیبت به مدل اصلی حکومت اسلامی، ضرورت دارد. در این پژوهش در مورد جایگاه ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. در بخش پایانی آن در مورد کنترل رهبری در قانون اساسی و نیز در مورد ولایت فقیه از منظر قانون اساسی پرداخته است.

واژگان کلیدی: ولایت فقیه، قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، زمامدار جامعه اسلامی.

۱- طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه فاطمیه (سلام الله علیها)، قزوین

مقدمه

ولایت فقیه به عنوان مهم ترین و اصلی ترین نهاد نظام جمهوری اسلامی ایران مطابق قانون اساسی در اعمال مستقیم و غیر مستقیم قدرت سیاسی نقش بسیار مهمی دارد. به نظر می رسد اصلی ترین کار ویژگی های ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران، نظارت عالیه آن بر کلیه ارکان نظام و از جمله قوای سه گانه و هماهنگ کننده، تنظیم کننده روابط و حل اختلاف میان آنهاست که به طرق مختلف انجام می شود. از آنجایی که قانون الهی و دین اسلام نمی تواند بدون مجری و ولی باشد؛ بنابراین، بایستی در همه ی زمان ها کسی باشد که شرعاً ولایت امر را دارا باشد تا با اعمال ولایت، احکام اسلام را اجرا نماید، مشکلات مسلمین را حل و فصل کند؛ مصالح عمومی جامعه را تأمین نماید و جامعه را از گزند دشمنان مصون دارد. تردیدی نیست تنها کسی که می تواند در عصر غیبت امام زمان (ع) مصداق ولی امر باشد، فقیهی جامع الشرایط و واجد شرایط است و بر اساس اصل پنجم قانون اساسی، ولایت فقیه عادل در رأس نظام سیاسی جمهوری اسلامی قرار گرفته است. همچنین در تعامل میان حاکمیت و حکومت باید عنوان نمود که هر حاکمیتی برای اعمال قدرت خویش، نیاز به حکومت دارد و هر حکومتی بدون حاکمیت، محکوم به نابودی و فنا است. بنابراین، حکومتی که حاکمیت آن منشأ قوی تری داشته باشد، مسلماً ماندگاری و ثبات بیشتری نیز خواهد داشت که این امر در دین اسلام که مبتنی بر آموزه های وحی الهی و دارای خصائص حقانیت، جامعیت، جهان شمولی و جاودانگی می باشد، کاملاً مشهود و آشکار است.^۱ در این میان، فقه شیعه نظامی حکومتی مبتنی بر ولایت فقیه را معرفی نموده است که نسبت با سایر حکومت ها و حتی سایر فرق اسلامی دارای ویژگی ها و ابعاد و دیدگاه های خاصی در مسائل کشورداری است. از آنجایی که حکومت ها بدون اندیشه حاکمیت، به مثابه اندامی بی روح محسوب می شوند؛ لذا هر کدام از حکومت ها، مبنای مشروعیت خود را بر پایه ای قرار داده و حق حکمرانی خود را بدان مستند می نمودند.^۲ در این تحقیق به این سئوالات پاسخ خواهیم داد که اصول مرتبط با ولایت فقیه در قانون اساسی ایران چیست؟ مشروعیت اجرایی ولایت فقیه چیست؟ شرایط زمامدار اسلامی چیست؟ و جایگاه ولایت فقیه در قانون اساسی ایران چه می باشد؟

۱. همچنین رجوع شود به توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹، مائده: ۳؛ یوسف: ۴۰ و ۱۰۴؛ تکویر: ۲۷؛ مدثر: ۳۱؛ ابراهیم آیه: ۵۲؛ روم، آیه: ۳۰؛ توبه: ۳۶.

۲. ایزدی، حکومت و مشروعیت، ص ۱۷؛ تقوی، دین و بنیادهای دموکراتیک، ص ۲۵.

مفهوم ولایت فقیه

در زبان عربی، برای کلمه ((ولی)) سه معنای: ۱- دوست، ۲- دوست دار، ۳- یاور، و برای لفظ ((ولایت)) افزودن بر آن ها، دو معنای: ۱- سلطنت و چیرگی، ۲- رهبری و حکومت را ذکر کرده اند.

در زبان فارسی، برای لفظ ((ولی)) معانی متعددی از قبل دوست، یار، صاحب، حافظ، آن که از جانب کسی در کاری تولیت دارد، و برای ((ولایت)) معنای حکومت کردن بیان شده است.^۱ هنگامی که لفظ ((ولایت)) در مورد فقیه به کار می رود، مراد از آن همان حکومت و زمامداری امور جامعه است. برخی در این معنا، وجود مفهوم ((ریاست)) و ((سلطنت)) را ادعا کرده اند در حالی که مقصود از آن، سرپرستی امور مردم و اداره شئون آنهاست و به مثابه ((رئیس القوم ادمهم)) نوعی خدمت به مردم و جامعه است نه باری بر گرده آنان باشد. از سوی دیگر ولایت در^۲ مصطلحات فقهی در دو مورد به کار رفته است:

- ۱- مواردی که مولی علیه قادر بر اداره امور خود نیست، مانند میت، سفیه، مجنون، صغیر.
 - ۲- مواردی که مولی علیه قدرت بر اداره امور خود دارد.
- در عین حال اموری وجود دارد که سرپرستی و ولایت شخصی دیگر را می طلبد. ((ولایت فقیه)) از موارد اصطلاح دوم می باشد، زیرا ((فقیه)) که بر جامعه ولایت دارد سرپرستی یکایک افراد آن جامعه را به عهده دارد. این نه به دلیل قصور ((جامعه به عنوان جامعه)) می باشد آنطور که برخی می گویند تا ولایت فقیه را با ولایت بر میت یا طفل صغیر مقایسه کنند، بلکه از آن روست که هر جامعه ای برای اداره امور خود نیازمند مدیری می باشد. این یک نیاز اجتماعی است. هر جا جامعه تشکیل می شود، برخی از وظایف و شئون جامعه تحقق پیدا میکند که سامان یافتن آن سرپرست و مدیری را می طلبد. البته اسلام برای مدیری که در زمان غیبت امام زمان ((علیه السلام)) سرپرستی جامعه به عهده اوست، شرایط متعددی ذکر کرده که چون مهمترین آنها فقاقت است. از آن به ((ولایت فقیه)) یاد می شود.^۳

اصول مرتبط با ولایت فقیه در قانون اساسی ایران:

۱. ولایت فقیه ص ۳؛ بحرالعلوم، بلغة الفقیه، ج ۳، ص ۴۶. همچنین رجوع شود به سوره های توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹، مائده: ۳؛ یوسف: ۴۰ و ۱۰۴؛ تکویر: ۲۷؛ مدثر: ۳۱؛ ابراهیم: ۵۲؛ روم: ۳۰؛ توبه: ۳۶.
۲. همان، ص ۴.
۳. ولایت فقیه ص ۳؛ بحرالعلوم، بلغة الفقیه، ج ۳، ص ۴۶. همچنین رجوع شود به سوره های توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹، مائده: ۳؛ یوسف: ۴۰ و ۱۰۴؛ تکویر: ۲۷؛ مدثر: ۳۱؛ ابراهیم: ۵۲؛ روم، آیه: ۳۰؛ توبه: ۳۳ و ۳۶.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ توسط مجلس خبرگان قانون اساسی در ۱۷۵ اصل تصویب و به همه پرسی گذاشته شده رأی مثبت ملت را به همراه داشت، در سال ۱۳۶۸ اصلاحاتی در این قانون صورت پذیرفت و در حال حاضر شامل ۱۷۷ اصل می‌باشد.^۱

ولی فقیه در قانون اساسی به عنوان بالاترین مقام کشور نقش اصلی را در حوزه سیاست گذاری کلان در بخش های مختلف از جمله سیاست خارجی بر عهده دارد. برخی از اصول مرتبط این موضوع به این صورت می‌باشد. ((اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)): در زمان غیبت حضرت ولیعصر (عج)، در جمهوری اسلامی ایران^۲ عبارتند از : قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قوانین اعمال می‌گردند.

این قوا مستقل از یکدیگرند. ((اصل صد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اختیارات و وظایف رهبری طبق قانون اساسی))) : در این اصل مهم ترین وظایف رهبری اشاره شده که مطابق با بند ۱ و ۲ حوزه سیاست خارجی تحت مدیریت و اشراف و نظارت ایشان قرار می‌گیرد.^۳

۱- تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام .

۲- نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام .

۳- فرمان همه پرسی .

۴- فرماندهی کل نیروهای مسلح .

۵- اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروهای :

۶- نصب و عزل و قبول استعفای :

۱- فقهای شورای نگهبان

۲- عالی ترین مقام قوه قضاییه

۳- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

۴- رئیس ستاد مشترک

۵- فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۶- فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی

۱ . اسماعیلی، مقاله بررسی جایگاه ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۸.

۲ . اخوان کاظمی، قدمت و ثبات نظریه ولایت فقیه در سیره امام (ره)، کتاب نقد، رشادی، حکومت مبتنی بر نظریه ولایت فقیه از منظر امام خمینی (ره)، ص ۱۳.

۳ . اسماعیلی، مقاله بررسی جایگاه ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴.

۷- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه

۸- حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام

۹- امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم

۱۰- صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید،

باید قبل از انتخاب به تأثیر شورای نگهبان و در دوره اول به تأثیر رهبری برسد

۱۱- عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نه.

۱۲- عفو یا تخفیف مجازات محکومیت در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضایی. رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.^۱

مشروعیت اجرایی ولایت فقیه

به صورت‌های گوناگونی می‌توان ولایت فقیه و مشروعیت اجرایی آن را که شامل دلیل عقلی و دلیل نقلی می‌باشد اثبات کرد که در ذیل بیان می‌شود :

الف) دلیل عقلی

بدون شک از یک سو جامعه به زمامدار و رهبر نیاز دارد. از سوی دیگر مسایل حکومتی اموری نیست که از حوزه دین خارج باشد، بلکه عناصر جهان مشعول دین در این زمینه به صورت یک نظام کامل در دین خاتم ارایه شده‌است و عقل نه تنها در دخالت دین در زمینه زمامداری منعی نمی‌بیند، بلکه به مقتضای حکمت بر ضرورت آن اصرار دارد.^۲

حال اگر حکومت را از منظر دین نگاه کنیم و وظیفه اصلی آن را صیانت از ارزش های الهی و آرمان های اسلامی واحکام شرعی بدانیم، عقل حکم می‌کند، بر قله چنین حکومتی می‌بایست کسی قرار بگیرد که به احکام الهی و وظایف دینی آگاهی دارد و می‌تواند زمامدار مردم باشد.

اگر معصوم در میان مردم بود، عقل او را سزاوار این منصب می‌شمرد، ولی اکنون که او نیست، فقیهان عادل قادر بر اداره جامعه را لایق این مقام معرفی می‌کند.

۱. اخوان کاظمی، قدمت و ثبات نظریه ولایت فقیه در سیره امام (ره)، کتاب نقد، رشادی، حکومت مبتنی بر نظریه ولایت فقیه از منظر امام خمینی (ره)، ص ۱۳..

۲. هاودی تهرانی، ولایت و دیانت، ص ۶.

رهبری سیاسی توسط مجلس خبرگان رهبری با ترکیب و آئین خاص صورت می گیرد.^۱ رهبر منتخب، دارای وظایف و اختیاراتی در رابطه با کل نظام و در ارتباط با قوای سه گانه (مقننه، مجریه و قضائیه) و نیز با سایر نهادهای قانونی است.^۲ این وظایف و اختیارات، اشرافیت کامل رهبر بر ارکان نظام و سلطه همه جانبه وی را ثابت نموده^۳ به نحوی که ضمن مشروعیت بخشی به تمام نهادها، امکان نظارت، کنترل، هماهنگی و هدایت آنها را بطور مستقیم و غیر مستقیم، دارا شده است.

برکناری، کناره گیری و استعفای رهبر نیز از جمله مباحثی است که در قانون اساسی بدانها پرداخته شده و شرایط خاصی نیز از جمله برای آنها تعریف گردیده است.^۴ همچنین شورای موقت موقت رهبری نیز به عنوان تأسیسی که عهده دار جانشینی و انجام وظایف رهبر در موارد ویژه است، دارای ترکیب، آئین و عملکرد تعریف شده خاص خود برای حسن جریان امور کشور در زمان مقتضی می باشد.^۵

نتیجه گیری

امام خمینی (ره) بر این باور بودند که حکومت اسلامی از زمان حضرت محمد (ص) تشکیل شده است و ایشان زمامدار جامعه اسلامی بودند و این زمامداری پس از ایشان به امامان معصوم (ع) و در نهایت به امام زمان (عج) رسیده و از آنجایی که ایشان در غیبت کبری می باشند باید جانشینی باشد که زمامداری جامعه اسلامی را بر عهده بگیرد و این جانشینی همان فقیهی می باشد که بر حسب یک سری خصوصیات که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده توسط مجلس خبرگان انتخاب می شود.

مطابق اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می گردد. شرایط رهبری در اصل یکصد و نهم قانون اساسی دارای سه شرط می باشد: ۱- صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛ ۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلامی؛ ۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی،

۱. اصل ۱۰۷ قانون اساسی.

۲. بند اول ۹۱ و اصول ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۷۵ و ۱۷۷ از قانون اساسی ایران.

۳. سایبانی، مقاله نقش و جایگاه ولایت فقیه و ارتباط آن با تفکیک قوا در حقوق اساسی، ج ۱۰، ص ۲۴.

۴. اصل ۱۱۱ قانون اساسی.

۵. سایبانی، مقاله نقش و جایگاه ولایت فقیه و ارتباط آن با تفکیک قوا در حقوق اساسی، ج ۱۰، ص ۲۵.

تدبیر، شجاعت، مدیریت، و قدرت کافی برای رهبری. طبق بند یک اصل ۱۱۰ تعیین سیاست‌های کلی نظام توسط رهبر و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، تدوین می‌گردد. بدیهی است که نظارت بدون اعمال قدرت و دخالت بی معنی است. بند هفت اصل ۱۱۰ قانون اساسی یکی از وظایف و اختیارات رهبر را «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه» می‌شمارد. در واقع بروز معضلات غیرعادی، رهبری از طریق حکم حکومتی و یا طبق بند هشت اصل ۱۱۰ به وسیله‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام ورود و آن‌ها را حل می‌کند.

بنابراین در پایان این پژوهش می‌توان بر اساس اصل صد و دهم قانون اساسی اختیارات و وظایف رهبری را بدین صورت بیان کرد: فرمان همه‌پرسی؛ فرماندهی کل نیروهای مسلح؛ اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها؛ تأیید صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایط قانونی؛ عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصلهشتاد و نهم؛ عفو یا تخفیف مجازات محکومیت در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه؛ تفیض بعضی از وظایف و اختیارات خود به شخص دیگر؛ نصب و عزل و قبول استعفای فقهای شورای نگهبان، عالیت‌ترین مقام قوه قضاییه مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی .

فهرست منابع

- *قرآن مجید .
- *نهج البلاغه، فیض الاسلام
۱. ایزدی، سجاد، حکومت و مشروعیت، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ ۱، ۱۳۸۱.
۲. اسماعیلی، محمد مهدی، مقاله بررسی جایگاه ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران .
۳. اسماعیلی، اسماعیل، جایگاه مردم در انتخاب رهبری، نشریه حوزه، شماره ۸۵، ۱۳۷۷.
۴. اخوان کاظمی، بهرام، قدمت، ثبات نظریه ولایت فقیه در سیره امام (ره)، کتاب نقد، سال چهارم، ۱۳۷۸.
۵. اکبری معلم، علی، مشروعیت و مقبولیت ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی (ره)، علوم سیاسی، سال هفتم، ۱۳۸۱.
۶. ارسطا، محمد جواد، ذکری (۴)، قم : مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (واحد آموزش)، ۱۳۷۷.
۷. -----، مفهوم اطلاق در ولایت مطلقه فقیه، فصلنامه علوم سیاسی، شماره دوم، سال نخست، ۱۳۷۷.
۸. بحرالعلوم، محمد بن محمد، بلغة، الفقیه، تهران : منشورات مکتبه الصادق، ج ۳، ۱۳۶۲.
۹. تقوی، سید محمد ناصر، دین و بنیادهای دموکراتیک، تهران : انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۵.
۱۰. تاجیک، ابوالفضل، جستاری درباره نظریه ولایت فقیه با تکیه بر آراء امام خمینی (ره)، فروغ وحدت، سال دوم، ۱۳۸۵.
۱۱. جوادی آملی، عبدا...، ولایت فقیه (ولایت فقاها و عدالت)، قم : مرکز نشر اسراء، تهران، چ ۱، ۱۳۷۷-۱۳۷۸.

۱۲. جعفر پیشه فرد، مصطفی، پیشینه نظریه ولایت فقیه، تهران: انتشارات دبیر خانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۰.
۱۳. جاسبی، عبدا...، مقاله دو نظریه عمده در زمینه ولایت فقیه.
۱۴. حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه، یمن: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱۰، بی تا.
۱۵. حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح، العناوین، قم: موسسه النشر الاسلامی، ج ۲، ۱۴۱۸ ق.
۱۶. رشادتی، محمد مهدی، حکومت مبتنی بر نظریه ولایت فقیه از منظر امام خمینی (ره)، فصلنامه دین و سیاست.
۱۷. سایبانی، علیرضا، مقاله نقش و جایگاه ولایت فقیه و ارتباط آن با تفکیک قوا در حقوق اساسی، ج ۱، ۱.
۱۸. شیخ مفید، ابوعبدا...، المقنعه، قم: موسسه النشر الاسلامی، چ ۲، ۱۴۱۰ ق.
۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی، ابعاد فقهی مشارکت سیاسی، در مشارکت سیاسی به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: نشر سفیر، چ ۱، ۱۳۷۷.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح ا...، ولایت فقیه (حکوت اسلامی)، تهران: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ ۱، ۱۳۷۱.
۲۱. موسوی خمینی، سید روح ا...، البیع، تهران: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ ۱، ج ۲، ۱۳۷۹.
۲۲. منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. منتظری، حسینعلی، البدر الزاهر هر فی صلوٰۃ الجمعة و المسافر (تقریرات درس آیت ا... بروجردی)، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.
۲۴. منتظری، حسینعلی، ولایت فقیه و قانون اساسی، نشریه پیام هاجر، شماره ۲۳۶، ۱۳۷۶.
۲۵. معرفت، محمد هادی، ولایت فقیه، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، چ ۱، ۱۳۷۷.
۲۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، چ ۳، ج ۱۶، ۱۳۶۲.
۲۷. هاودی تهرانی، مهدی، ولایت و دیانت، سایت اسلام کوئست.

۲۸. -----، نهضت آزادی ایران، تفصیل و تحلیل ولایت مطلقه فقیه، تهران،

۱۳۶۷.

۲۹. -----، ولایت فقیه، موسسه در راه حق، قم، چ ۱، ۱۳۷۷ .